

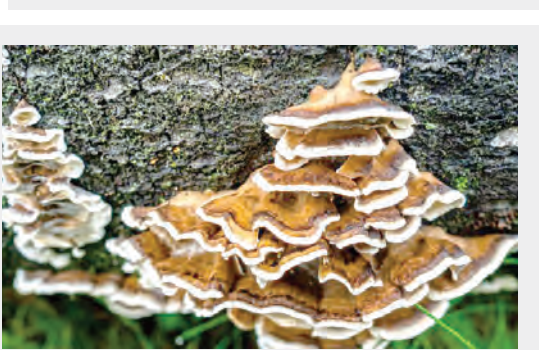
حرف امروز

شهروند از نوع سوم!

برخی از ما عادت کرده‌ایم همین که چشمان‌شان به یک گربه گرسنه می‌افتد، احساسات انسانی‌یمان گل می‌کند و یک‌دفعه تبدیل می‌شویم به یوفه سیار قله‌ای برای فرزهای پشمالو! بیتمان هم خیر است؛ واقعاً فکر می‌کنیم داریم مکم می‌کنیم، اما این مهر‌بانی بی‌ضرر ظاهری، کم‌کم دارد طبیعت شهر را به هم می‌ریزد، چون در کنار افزایش چندبرابری گربه‌ها اکوسیستمی ساخته شده که گربه دیگر شکار نمی‌کند، زحمت نمی‌کشد، فقط هر روز ساعت پنج، سر قرار پذیرایی محله حاضر می‌شود. این صحنه برای بسیاری از محله‌ها آشناست. شهروندانی که با ظرف‌هایی پر از ته‌مانده غذا یا خوراک مخصوص حیوانات، گربه‌ها را دور خود جمع می‌کنند. البته قبول دارم که فرهنگ ما همیشه حمایت از حیوانات را پس‌نندیده‌انسته، اما نسخه مدرنش کمی عجیب و نگران‌کننده شده. گربه‌هایی که روزگاری با غریزه شکار، تعادل اکوسیستم را حفظ می‌کردند، حالا با دسترسی دائمی به رستوران رایگان انسان‌ها جمعیتشان آن‌قدر بالا رفته که انگار قرار است در سرشماری بعدی شهروند از نوع سوم حساب شوند. کافی است از خانه بیرون بروید تا ببینید این دستکاری ناخواسته در نظم طبیعت، آرام‌آرام تعادل شهری را به هم زده و حتی موجب ترس و ناامنی برخی شهروندان، به‌ویژه کودکان شده‌است. علاوه بر جمعیت، پسماند غذا هم معضل جدی درست کرده: ظرف‌های یک‌بارمصرف، استخوان‌ها و ته‌غذاها که روی زمین رها می‌شوند، تبدیل به سفره‌ای برای حشرات و موش‌ها شده‌اند. این مشکلات آن‌قدر جدی شده که برخی پارک‌ها مجبور شده‌اند تابلو «غذا دادن به حیوانات ممنوع است» را نصب کنند. از نظر سلامت هم اوضاع خوشایند نیست؛ افزایش حیوانات و لگرد خطر بیماری‌های پوستی، قارچی و انگلی را بالایا می‌برد، بیماری‌هایی که برخیشان به انسان هم منتقل می‌شوند.



اما بیا بید فقط خودمان را ملامت نکنیم و به گربه‌ها هم رحم کنیم. غذا دادن بی‌رویه موجب وابستگی آن‌ها به خوراک انسانی، از دست رفتن مهارت شکار و مشکلات گوارشی و کلیوی می‌شود. راه‌حل ساده و مؤثر اما همان چیزی است که بسیاری از شهرهای جهان امتحان کرده‌اند: گرفتن، عقیم‌سازی و بازگرداندن حیوانات به زیستگاهشان. این روش هم جمعیت را کنترل، هم زندگی طبیعی حیوان را حفظ می‌کند و هم جلوگیری از آلودگی شهری را می‌گیرد. به زبان ساده، مدیریت علمی جایگزین مداخله‌های احساسی می‌شود؛ مداخله‌هایی که هرچند نیت خوبی دارند، اما در نهایت به‌ضرر حیوان، طبیعت و شهر تمام می‌شوند.



جایگزین پایدار پلاستیک‌ها

پیش‌فرض‌تان از قارچ‌ها به عنوان موجودات تک‌سلولی کوچک و بی‌آزار را کاملاً کنار بگذارید؛ چون جدیداً آنقدر پیشرفت کرده‌اند که می‌توانند جلورود آب، روغن و چربی به لیوان یا بسته‌بندی غذای شما را بگیرند؛ البته نه خود قارچ ساده، بلکه وقتی محققان دانشگاه‌مین، آن‌ها را با نانوفیبرهای سلولزی ترکیب کردند، چیزی شبیه یک سپر محکم و انعطاف‌پذیر ساخته‌شد. میسلیم‌ها، همان رشته‌های ریز ریز کلاهک قارچ، قطره‌ها را مثل توپ‌های کوچک روی سطح می‌چرخانند و نمی‌گذارند چیزی نفوذ کند. این پوشش روی کاغذ، نمذ و حتی چوب توسکا رشد می‌کند و تنها پس از چند روز آماده‌است؛ ضدآب، مقاوم و کاملاً برای تماس با غذا ایمن است. این‌طور که به نظر می‌رسد کار پلاستیک‌های یک‌بار مصرف تقریباً تمام‌است؛ چون با این روش، می‌توانیم هم از شر پلاستیک خلاص شویم، هم زیال‌ها کمتر به اقیانوس‌ها بروند.

مجازآباد

دیدن اخبار مربوط به کلاه‌برداری‌های عجیب و بامزه در گوشه و کنار دنیا تقریباً داشت برایمان عادت می‌شد. گمانم آخرینش خبر کلاه‌برداری فضا‌نورد قلابی از یک پیرزن ژاپنی بود: «یک کلاه‌بردار در فضای مجازی با یک پیرزن هشتاد ساله آشنا شده، خودش را فضا‌نورد جا زده و بعد از مدت‌ها چت کردن و جلب توجه پیرزن، رابطه عاطفی میان‌شان شکل گرفته بود و خلاصه کلاه‌بردار ادعا کرده بود سفینه‌اش در فضا‌مورد حمله قرار گرفته‌است، آسیب دیده و نیاز به اکسیژن دارد. هزینه تأمین اکسیژن را هم ۶ هزار و ۷۰۰ دلار اعلام کرده بود. پیرزن هشتاد ساله و دل‌باخته به آقای فضا‌نورد، حرف او را باور کرد و در نهایت یک میلیون یی از پول‌هایش به فنا رفته بود».... خوب

حالا باور می‌کنید تازه‌ترین کلاه‌برداری با یک سبک عجیب و غریب که خبرش در فضای مجازی داغ شده مربوط به ایران خودما باشد؟ یک خانم با مراجعه به مراجع قضایی از جوانی شکایت کرده که خود را «ولیعهد عربستان» معرفی کرده‌بود! براساس اعلام منابع مطلع، این فرد با ارسال پیام در شبکه‌های اجتماعی به شاکی وعده داده بود «کافی پر از دلار» برای او ارسال می‌کند، اما برای دریافت آن باید هزینه

اوقات شرعی به افق تهران

امان ظهر	اتان مغرب	اتان صبح فردا
۱۱/۵۰	۱۷/۱۴	۵/۱۸
غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۶/۵۴	۲۳/۰۶	۶/۴۶

اوقات شرعی به افق مشهد

اتان ظهر	اتان مغرب	اتان صبح فردا
۱۱/۱۷	۱۶/۴۰	۴/۴۶
غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۶/۲۰	۲۲/۳۳	۶/۱۵

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس وابسته به آستان قدس رضوی
مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی
سرمدبیر: سید محسن اسدی

آدرس دفتر مرکزی مشهد: بولوار سجاده، نبش سجاد ۱
تلفن: ۰۵۱) ۳۷۶۸۵۰۱۱-۱۴

سازوکار تولید خشونت، نژادپرستی و استعمار در اروپا و آمریکا

وقتی غرب از نازیسم به صهیونیسم رسید



حوالی امروز| این پرسش که واقعاً، نازی‌بسم «همزاد» غرب

بود یا «دیگری» آن؟ حرف و سؤال ما شرقی‌ها نیست. برخی اندیشمندان غربی برخلاف دم‌و‌دستگاه و تشریفات رسانه‌ای و پروپاگاندا ی سیاستمداران، مدت‌هاست دارند تلاش می‌کنند نقاب تمدن، دموکراسی، مبارزه با تبعیض نژادی و آزادی خواهی را از چهره اردوگاه غرب کنار بزنند. آن‌ها با یادآوری گذشته‌های دور و نزدیک سعی می‌کنند به ملت‌هایشان بگویند داستان‌هایی مثل هولوکاست حتی اگر واقعیت داشته باشد و همچنین جنایت‌هایی که صهیونیسم در خاورمیانه رقم می‌زند، نسخه ارتقا یافته و به‌روز ایدئولوژی استعماری غرب است.

■ همزاد غرب

خانم «ناثومی کلاین» نویسنده، فعال اجتماعی و مستندساز کانادایی است که بیشتر از همه به خاطر نقدهایش به موقلاتی مثل «جهانی شدن»، بحران زیست‌محیطی و نتولیرالیسم شناخته می‌شود.

معروف‌ترین کتاب این نویسنده «دکترین شوک: ظهور سرمایه‌داری فاجعه» درواقع نمونه یک روزنامه‌نگاری تحقیقی بسیار جالب درباره طوفان کانترپدر آمریکاست. کتاب تازه این نویسنده «همزاد» نام دارد که

در آن به سازوکار تولید خشونت و نژادپرستی و ریشه‌های آن در غرب پرداخته است. به‌تازگی «ترجمان» ترجمه این کتاب را منتشر کرده است. «ناثومی کلاین» در این کتاب می‌گوید: «داستان معروفی که درباره هیتلر و هولوکاست می‌گوییم، این جنایت و آشفته‌بازار مرگ در قلب اروپا را در تاریخ بی‌مانند معرفی می‌کند و این در حالی است که هولوکاست در زمان خودش یک نسخه تقویت شده اما فشرده همان ایدئولوژی استعماری خشونت‌باری بود که در دوره‌های مختلف تاریخی، همه قاره‌ها را به آتش ویرانی کشیده است. درواقع، نازی‌ها یک بار دیگر همان ایدئولوژی قدیمی را که غرب در گوشه و کنار جهان اجرا می‌کرد، این بار در خود اروپا به اجرا گذاشتند».

نویسنده «همزاد» معتقد است هیتلر، منفورترین شخصیت قرن بیستم، «دیگری» پلید غرب و به عبارتی روی دیگر غرب متمدن و دمکراتیک نبود؛ بلکه «همزاد» آن بود؛ چراکه اصل داستان جنایت و نژادپرستی در خود اروپا و با تقویت عقاید در اسپانیای نده‌سوزاندن و تبعید خونبار یهودیان و مسلمانان آغاز می‌شود. بعدها همین ایدئولوژی و سبک و سیاق، به آن سوی اقیانوس اطلس می‌رود و ما آن را در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر، در واقعه نسل‌کشی یومیان آمریکا می‌بینیم. بعد هم دوباره در دوران هولوکاست به اروپا برمی‌گردد!

● صندوق پستی: ۵۷۷ - ۹۱۷۳۵
● دفتر تهران: بولوار کشاورز، بین کارگر و جملزاده، شماره ۳۳۶
● تلفن: ۶۶۹۳۷۵۵ (۰۲۱)
● فاکس: ۶۶۴۳۰۱۲۲ (داخلی ۲۲۶)
● پيامک: ۳۰۰۰۴۵۶۷
● ارتباطات مردمی: ۳۷۶۱۰۰۸۶ (۰۵۱)
● امور مشترکین: ۳۷۶۱۸۰۴۴-۵ (۰۵۱)

● روابط عمومی: ۳۷۶۶۲۵۸۷ (۰۵۱)
● شمار سردیس: ۳۷۶۸۴۰۰۴ - ۳۷۶۱۰۰۸۷ (۰۵۱)
● سازمان آگهی‌ها: ۳۷۶۲۸۲۰۵ - ۳۷۰۸۸ (۰۵۱)
● فاکس: ۳۷۶۱۰۰۸۵ (۰۵۱)
● سفارشات چاپی: ۳۷۶۷۶۵۹۶ (۰۵۱)
● چاپ مشهد: مجتمع چاپ و نشر قدس
● چاپ همزمان تهران: چاپخانه مجامع چاپخانه مجامع

گرفته بود و در سال‌های آغاز قرن بیستم در آمریکا و سپس کانادا و استرالیا گسترش پیدا کرد، با توسل به قانونی که در ایندیانان تصویب شد، توجیهی شبه‌علمی برای عقیم‌سازی اجباری ده‌ها هزار انسانی پیدا کرد که می‌توانستند بچه‌دار شوند، اما زن‌هایشان مورد پسند محققان «یوژنیک» نبود و تهدیدی در قبال خزانه کلی به حساب می‌آمد؛ پروژه‌ای سرشار از سوگیری‌هایی ذاتی درباره هوش نسبی تبار آنگلو و نوردیک.

■ شیطان درون

درواقع نازی‌ها همین سنت و سبک و سیاق غرب را پیش گرفتند و آن را بسط دادند و حدود ۴۰۰ هزار نفر را در دوران حکومتشان عقیم کردند، اما نوآریشان در این عرصه فقط در مقیاس و سرعت بود، نه خود کار! همچنین ایدئولوژی نازی‌ها به شدت تحت تأثیر اسطوره «سرحات» آمریکا و مفهوم توسعه قلمرو به سمت غرب بود. هیتلر این ایده را قالب «لبنزراوم» یا «فضای حیاتی» برای ملت آلمان با تعریف کرد که به دستوری برای فتح و تسخیر سرزمین‌های شرق اروپا تبدیل شد. همانند غرب وحشی آمریکا، این سرزمین‌ها نیز ساکنانی داشتند که موانع پیشرفت تلقی می‌شدند یعنی اسلاوها و یهودیان!

هیتلر، با تحسین مهاجران اروپایی به‌خاطر نسل کشی سرخ‌پوستان، اعلام کرد حالا نوبت آلمان است تا در مرزهای خود دست به پاک‌سازی نژادی بزند. اگرچه کشتار نازی‌ها مرزهای جدیدی از خشونت دولتی را جابه‌جا کرد، اما ایده حذف یک جمعیت برای تصاحب زمین، نوآوری هیتلر نبود. «دیوبویس» یکی از روشنفکران برجسته سیاه‌پوست، نوشته است: «نازی‌ها هیچ سببعیتی مرتکب نشده‌ند که تمدن اروپایی قیلاً از رابر غیرسفیدپوستان سراسر جهان روانداشته باشد. تنها تفاوت این بود که این بار قربانیان، خود اروپایی‌ها بودند.»
ایمه‌میزر، نویسنده اهل مارتینیک نیز اروپاییان را متهم کرد که تازمانی که خشونت‌ها دامن خودشان را نگرفته بود، با نازی‌بسم مدارا کردند و آن را نادیده گرفتند. سزر، هیتلر را نه یک دشمن جدا افتاده؛ بلکه سایه شوم و «همزاد» و خلف همان اروپایی استعمارگر می‌دانست: «باید اقدامات هیتلر را موشکافانه بررسی کنیم و به‌ویژر وی مناز، انسان دوست و مسیحی قرن بیستم بفهمانیم که هرچند شاید خودش نداند، اما هیتلری درون اوست، هیتلر ساکن در وجود اوست، هیتلر شیطان درون اوست».
خانم «ناثومی کلاین» در قسمت‌های پایانی کتابش می‌نویسد: «مواجهه با گونه‌ای از صهیونیسم که رژیم اسرائیل را در سال ۱۹۴۸ به وجود آورد به معنای پذیرش این نکته است که یک ملت، مثل یک فرد، می‌تواند در آن واحد هم مظلوم به نظر برسد و هم ظالم باشد؛ هم ترموا زده باشد و هم عامل ترموا. تاریخ مدرن پر از انتقال ترموهاست، جایی که مظلوم دیروز به اشغالگر امروز تبدیل می‌شود. داستانی که در آن گرفتاریم مربوط به یک پا د و ملت خاص نیست؛ بلکه مربوط به منطقی است که قرن‌هاست جهان‌ها را به خاک و خون کشیده است.»



دیجیتال و زوال عقل زودرس

می‌دانم که در دنیای الان زندگی بدون استفاده از ابزارهای دیجیتال تقریباً غیرممکن است، اما اگر همین‌طوری به استفاده بی‌رویه ادامه دهیم، بعید نیست تا چند سال دیگر مغزمان دچار زوال عقل زودرس شود؛ چون هرچه بیشتر به گوشی و تبلت بچسبیم، نیکر‌های خلاق و حافظه‌مان کم‌کم روبره تعطیلی می‌روند. به‌تازگی پژوهش‌هایی در استرالیا نشان داده‌اند که تعداد افراد ۲۰ تا ۴۴ سال مبتلا به زوال عقل به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش یافته و حتی گروه ۳۰ تا ۴۴ سال، رشد ۴۰۰ درصدی ابتلا را تجربه کرده‌اند. وقتی مغز فرصت فکر کردن و تمرین ن‌درد، توانایی پردازش احساسات، تمرکز و خلاقیت پایین می‌آید. به بیان ساده، اگر مغزتان را درگیر فعالیت‌های ذهنی نکنید و مدام به صفحه‌نمایش‌ها خیره بمانید، مثل عضله‌ای که هرگز ورزش نکرده تحلیل می‌رود و احتمال ابتلا به زوال عقل زودرس بالا می‌رود.



آسمان؛ منبع انرژی

تا جایی که به یاد دارم، انرژی مکانیکی معمولاً از موتورهای غول‌پیکر با سوخت فسیلی یا اختلاف دمای شدید تولید می‌شود، اما حالا دانشمندان کالیفرنیا دستگاهی ساخته‌اند که با اختلاف دمای طبیعی بین زمین گرم و سرمای بی‌کران فضای بیرونی در شب، انرژی مکانیکی تولید می‌کند. ایده اصلی آن روی یک موتور استرلینگ ساده است. یک طرف با زمین گرم تماس دارد و طرف دیگر با سرمای بی‌انتهای فضا. در نتیجه حتی زمانی که در خواب به‌سر می‌بریم، زمین و آسمان با هم دست همکاری می‌دهند تا فن گلخانه‌ای بچرخد یا یک دستگاه کوچک روشن شود. این موتور حتی با اختلاف دمای کم هم کار می‌کند و بدون هیچ سوخت اضاف‌های انرژی می‌دهد. آزمایش‌ها نشان داده هر مترمربع حداقل ۴۰۰ میلی‌وات تولید می‌کند؛ این یعنی آسمان شب می‌تواند به یک منبع انرژی برای ما تبدیل شود.

جهان امروز

توهم توانایی

فوری قانع می‌شوند و چون از آن طرف هم هوش مصنوعی مدام القا می‌کند که «می‌توانی!» و «آفرین بر تو!»؛ حس می‌کنند واقعاً خودشان این کار را انجام داده‌اند. البته که داشتن این حس به خودی خود چیز بدی نیست، اما مشکل اینجاست که این اعتماد کاذب موجب می‌شود کمتر سؤال کنیم،

کمتر دوباره بررسی کنیم و مهارت تفکر انتقادی‌مان کم‌رنگ شود. در نتیجه همه ما، چه حرفه‌ای و چه تازه‌کار، یک سطح مشابه و اغلب بیش از حد از اعتماد به نفس پیدا می‌کنیم که البته پژوهشگران اسمش را گذاشته‌اند: «کم‌عمق شدن تفکر». آن‌ها پیشنهاد می‌دهند برای جلوگیری از این خطر، هوش مصنوعی‌ها را طوری طراحی کنند که مدام از ماسؤال بپرسند و ما را به سنجش دوباره و فکر کردن وادار کنند؛ سؤال‌هایی مثل: «واقعاً مطمئن هستی؟»، «گزینه‌ای از قلم‌نیفتاده؟» و «منابع دیگر را هم بررسی کرده‌ای؟» کمک می‌کند تا علاوه بر استفاده از توانایی‌های هوش مصنوعی، از فکر و هوش خودمان هم استفاده کنیم تا خدایی نکرده دست‌نخورده باقی نماند.



است، طوری که حس می‌کنیم هر مسئله‌ای، چه ساده و چه پیچیده را می‌توانیم به راحتی با دستور چند جمله‌ای به جت جی‌پی‌تی حل کنیم و کار را تمام شده در نظر می‌گیریم. پژوهش‌های اخیر هم این را تأیید کرده‌اند کسانی که از این چت‌بات‌ها کمک می‌گیرند، خیلی زود اعتماد بنفسمشان را کنترل خارج می‌شود. به محض دیدن پاسخ اولیه